

تحریف ناپذیری قرآن کریم

بهاء الدین خرّمشاهی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تعریف تحریف

به نوشته ابن منظور «حَرْف، انحراف، تحرف و احريف» که با حرف «علی» به کار می رود به معنی عدول و میل (گشتن) از چیزی است. «تحریف القلم» یعنی قط زدن آن به صورت یکبری و مایل یا کج؛ و قلم محرف یعنی قلمی که این گونه تراشیده شده و مقطع کج داشته باشد. کلمه تحریف در قرآن کریم به کار رفته است. یهود (بنی اسرائیل) معانی تورات را با کلمات مشابه تغییر می دادند و خداوند از آن تعبیر فرموده است به «يَحْرِفُونَ الكلم عن مواضعه»^۲ در اینجا تحریف به معنی تغییر دادن است.

بعضی از فرهنگها تحریف را به تغییر و تبدیل معنی کرده اند که جامع تر است.^۳ در قرآن مجید مشتقات تحریف چهار بار به کار رفته است. بار سوم شبیه به دو مورد سابق الذکر است و بار چهارم می فرماید: «و قد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم

در آغاز توضیح کوتاهی درباره عنوان این مقاله لازم است. بعضی از قدما از این مسأله تحت عنوان «تحریف قرآن» یا «عدم تحریف قرآن» یا به ندرت «عصمت قرآن» بحث کرده اند. «تحریف قرآن» این اشکال را دارد که عنصر نامطلوبی در بر دارد (یعنی «تحریف») و به نقض غرض شباهت دارد. به این شرح که اگرچه در طی مقاله، «عدم تحریف قرآن» طرح و اثبات می گردد؛ ولی عنوان، کمابیش غلط و غلط انداز است، مانند این می ماند که از عصمت انبیا در تحت عنوان گناه یا صدور گناه از پیامبران بحث گردد. و اما «عدم تحریف» این عیب را دارد که در ردیف «عدم» درج می گردد و حال آنکه کلمه کلیدی «تحریف» است. کلماتی چون «عصمت» یا «صیانت قرآن از تحریف نیز همان اشکال را دارند. با این ملاحظات، به نظر می رسد که «تحریف ناپذیری قرآن کریم» تقریباً بی اشکال است.^۱

۱- نخست بار استاد مرتضی عسکری این تعبیر را به کار برده و مقاله ای تحت این عنوان نوشته است

۲- نساء، ۴۶؛ سائده، ۱۱۳ (لسان العرب، ذیل ماده «حرف»)

۳- تاج المروس



● گروهی از خوارج بر آنند که سوره «یوسف» جزو قرآن نیست و به نظر آنها روا نیست چنین قصه عاشقانه ای جزو وحی الهی باشد.

● نظر اجماع شیعه امامیه، اعتقاد به عدم تحریف قرآن است ولی بعضی از ناآگاهان، ولو از فضلاء این نظر را خدشه دار و این اجماع را خرق کرده اند و به انگیزه های تولایی و تبری بی آن که سخنگوی شیعه باشند قائل به تحریف قرآن کریم شده اند.

می کند: هیچ کس نمی تواند ادعا کند که جمیع قرآن از ظاهرش و باطنش نزد اوست غیر از اوصیاء» همچنین نظیر این اخبار در تفسیر عیاشی؛ بصائر الدرجات، غیبه نعمانی و تفسیر او آمده است، و قریب به تمامی آنها را علامه مجلسی در بحار الانوار، در مجلد ۹۲ که مخصوص قرآن است، ذیل بابی به نام «ما جاء فی کیفیت جمع القرآن» گرد آورده است. (نیز ۱۶ فقره از نصوص اخبار تحریف از نظر شیعه را حجت الاسلام سید علی حسینی میلانی در کتاب التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف، ص ۵۷-۶۱، با ذکر منابع آنها نقل کرده است.) پس از عصر متقدمان و با اوجگیری نهضت اخباریه، می بینیم که بسیاری از آنان حتی بزرگانی چون حرّعاملی و فیض کاشانی و علامه مجلسی نیز کلمات و تعابیر دو پهلوی در این باب دارند، یا به دو گونه، هم در اثبات و هم در نفی تحریف سخن گفته اند. استاد محمد هادی معرفه، قرآن پژوه معاصر بر آن است که اخباریه و مخصوصاً پرچمدار شاخص آنان سید نعمت الله جزایری (۱۰۵۰-۱۱۱۲ق) بر اساس اخبار پراکنده و غرائب و شواذ و افسانه های اساطیر گونه، نغمه تحریف را از نو زنده کرده است و کتابش الا نوار النعمانیه (۱/ ۹۸، ۹۷/ ۱؛ ۲۷۷/ ۲؛ ۳۵۷) و نیز رساله منبع الحیاء او منبع اصلی قول به تحریف است و محدث نوری، صاحب فصل الخطاب که به تفصیل درباره اش سخن خواهیم گفت بر آن اعتماد کرده و جزایری پیشوای او در این امر است. ۷

نقطه عطف مهم در تاریخ مسأله تحریف، تالیف کتابی است که مستقلاً در این زمینه؛ یعنی در ادعا و به خیال خود در اثبات وقوع تحریف در قرآن به قلم یکی از بزرگترین محدثان شیعه در اوایل قرن چهاردهم نوشته شده است. محدث حاج میرزا حسین ابن مولی محمد تقی طبری یا درست تر طبری (۱۲۵۴-۱۳۲۰ق) از شاگردان شیخ مرتضی انصاری و آیت الله میرزا حسن شیرازی است. دو تن از معروفترین شاگردان او یکی حاج شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان و سفینه البحار و دیگری آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه است. بهترین شرح حال و آثار او را هم همین آقا بزرگ تهرانی، با استفاده از زندگی نامه خودنوشت کوتاه او نوشته و در مقدمه

یحزفونه من بعد ما عقوله « (بقره، ۷۵) (و حال آنکه گروهی از آنان کلام الهی را شنوند و پس از آنکه آن را دریافتند آگاهانه دگرگونش می سازند.) بعضی از صاحب نظران، تحریف اصطلاحی را هفت وجه دانسته اند. ۴. اما تحریف یا تحریفهایی که در مبحث تحریف پذیرفتن یا تحریف نا پذیرفتن قرآن به کار می رود بیشتر تحریف لفظی است؛ زیرا تحریف معنوی (=معنایی) یعنی تفسیر به رای به وجهی نا معقول و تأویل نا پسندیده و در آوردن معانی آیات قرآن بر وفق اهوا، و آرای مختلف که در تاریخ تفسیر قرآن به دست غالب مکاتب کلامی یا گاه فقهی رخ داده است، از موضوع بحث ما خارج است. بنابراین تعبیر «تحریف قرآن» در یکی از دو مفهوم زیر به کار برده می شود.

۱- تحریف لفظی که خود بر دو نوع است:

الف - به کاهش که به آن تحریف به تقیصه یا تقیص (کاهش) می گویند؛ چنان که مدعیان قائل به تحریف گفته اند، آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک» عبارت «فی علی» «ان علیاً مولی المؤمنین» افزوده داشته است و در جمع عثمان؛ یعنی «مصحف امام» نیامده است، یا چنانکه مشروحتر خواهیم گفت، طبق بعضی اخبار اهل سنت بعضی سوره ها مانند «سوره هفده» و «خلع» و آیه هایی مانند آیه رجم جزو قرآن بوده ولی بعد نسخ التلاوه یا منسوخ التلاوه شده است و نهایتاً در مصحف رسمی عثمان نیامده است.

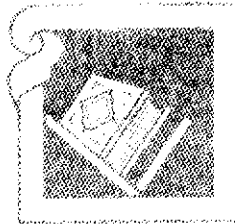
ب - به افزایش بیشتر محققان بر آنند که کسی قائل به تحریف به افزایش یا تحریف به زیاده نیست؛ ولی از ابن مسعود نقل کرده اند که بر آن بوده است که سوره فاتحه و معوذتان (دو سوره آخر قرآن کریم) جزو قرآن نیست و در مصحف خاص او هم درج نشده بوده است. یا «عجاده» که گروهی از خوارج اند (اصحاب عبدالکریم بن عجرد) بر آنند که سوره یوسف جزو قرآن نیست و به نظر آنان روا نیست، چنین قصه عاشقانه ای جزو وحی الهی باشد. ۵

۲- تحریف به معنای تغییر و تبدیل. مثالهایی که قائلان به آن می زنند همه از مقوله اختلاف قرائت است مانند «ملک یوم الدین» به جای «مالک یوم الدین»، «فتتبتوا» به جای «فتتبتوا» پس قول به تحریف قرآن به یکی از این سه وجه است.

قائلان به تحریف از شیعه امامیه.

نظرگاه رسمی و حتی اجماعی شیعه امامیه اعتقاد به عدم تحریف قرآن است؛ ولی بعضی از نا آگاهان؛ ولو از فضلاء، این نظر را خدشه دار و این اجماع را خرق کرده اند و به انگیزه های تولایی و تبری، بی آنکه سخنگوی شیعه باشند، قائل به تحریف قرآن کریم شده اند. آری حتی در بعضی از منابع مهم حدیث شیعه چنین قولی آمده است. چنان که در کافی که نخستین و مهمترین کتاب از کتب اربعه حدیث معتبر و رسمی شیعه امامیه است، احادیثی نقل شده که این معنی از آن مستفاد می گردد. ابو جعفر محمد بن یعقوب معروف به ثقه الاسلام کلینی (م ۳۲۹ق.) در این کتاب «کتاب الحجج» بابی تحت عنوان «کل قرآن را کسی جزا می علیهم السلام جمع نکرده است و ایشانند که علم آن را به کمال دارند»، باز کرده است و در حدیث اول از ابو جعفر (امام محمد باقر علیه السلام) چنین نقل کرده است «هیچ کس از مردم ادعا نکرده است که کل قرآن را چنان که نازل شده است جمع کرده است، مگر آنکه دروغ گو است. و حال آنکه کسی جز علی ابن ابی طالب علیه السلام، و جز ائمه بعد از او آن را جمع و حفظ نکرده است. ۶». و در حدیث بعدی باز از طریق جابر از حضرت امام محمد باقر (ع) نقل

۴- صیانة القرآن من التحریف، محمد هادی معرفه، ص ۱۱-۱۴.
۵- همان، ص ۱۳.
۶- کافی، ۱/ ۲۲۸.
۷- صیانة القرآن ص ۸۶-۸۷.



مهمترین کتاب او که آخرین مجموعه معتبر حدیث شیعه امامیه به شمار می آید؛ یعنی مستدرک الوسائل به طبع رسیده است. محدث نوری کتاب **فصل الخطاب فی تحریف کتاب ربّ الارباب** را در سه مقدمه و دوازده فصل و یک خاتمه تدوین کرده است و در فصول دوازده گانه دلایلی برای اثبات تحریف عرضه داشته است. شیخ نوری در تاریخ ۲۸ جمادی الثانی ۱۲۹۲ق از نگارش این کتاب فراغت یافته و کتاب، برای نخست بار به چاپ سنگی در ۱۲ شوال ۱۲۹۸ق به طبع رسیده است. نسخه خطی اصل یا بازنویس اصلاح شده ای از آن در کتابخانه آقا بزرگ تهرانی در نجف محفوظ است که نسخه عکسی (زیراکسی) آن در اختیار راقم این سطور جزو منابع نگارش این مقاله بوده است.

نگارش و انتشار **فصل الخطاب**، در حوزه های علمیه شیعه مخصوصاً در نجف و سامرا و به فاصله کمی در شبه قاره هند و سایر بلاد اسلامی و شیعی موج عظیمی از مخالفت و اعتراض علمای شیعه و نیز اهل سنت را برانگیخته است. (نیز صیانة القرآن، ص ۸۹-۹۰). نخستین و مهمترین ردی که بر او نوشته اند کتاب **کشف الارتباب فی عدم تحریف الکتاب**، نوشته یکی از معاصران محدث نوری؛ یعنی محمودابن ابی القاسم مشهور به «معرب طهرانی» (م ۱۳۲۳ق) است که در ۱۷ جمادی الثانی ۱۳۰۲ق از نگارش آن فراغت یافته و کتابی است در حدود ۳۰۰ صفحه همچند خود **فصل الخطاب** و سرشار از استدلالهای مثنی و براهین قاطع است. چنان که شیخ نوری را مجبور به بازگشت از بعضی آراء خود و عقب نشینی کلی کرده است. محدث نوری هم به نوبه خود بر این کتاب، ردی (به فارسی) نوشته است که با بعضی از چابهای **فصل الخطاب** همراه است، و از خوانندگان **فصل الخطاب** در خواست کرده است که این ردیه یا جوابیه اش را که در حکم متمم **فصل الخطاب** است حتماً مطالعه کنند. نخستین اشکالی که مؤلف **کشف الارتباب** بر نوری می گیرد این است که اگر قائل به تحریف باشیم یهودیان ما را شماتت خواهند کرد که در عدم اعتبار بین کتاب ما و کتاب شما فرقی نیست. نوری جواب می دهد که این مغالطه لفظی است؛ زیرا مراد او از تغییر و تبدیل صرفاً نقص بعضی از وحی منزل است و آن هم در غیر آیات احکام؛ ولی در مورد افزایش، اجماع محصل بین جمیع فرقه های مسلمانان هست بر اینکه حتی به اندازه کوتاهترین آیه یا حتی یک کلمه، بر قرآن افزوده نشده است. ۸

آقا بزرگ تهرانی می نویسد: «شفاهاً از او چنین شنیدم که می گفت: من در این کتاب (**فصل الخطاب**) نوشته ام که قرآن موجود بین الدفتین، همچنان به صورت اولیه ای که داشته و از آغاز جمع آن در عصر عثمان بوده، باقی و محفوظ مانده است و هیچ گونه تغییر و تبدیلی که در سایر کتب آسمانی وارد شده، در آن نشده است. لذا سزاوار بود که نام کتابم را (**فصل الخطاب فی عدم تحریف الکتاب**) بگذارم، و نام گذاشتن به این اسم که مردم بر خلاف مراد من حملش می کنند، خطایی در نامگذاری بوده است؛ ولی مراد من آن نیست که مردم تلقی و تصور کرده اند؛ بلکه مراد من اسقاط بعضی از وحی منزل الهی است و اگر می خواهید نام آن را بگذارید: «**القول الفاصل فی اسقاط بعض وحی النازل...**» ۹»

استاد مرتضی عسکری از قول یکی از دوستانش که از علمای هند است نقل کرده است که «دویست کتاب به زبانهای مختلف فقط در هند علیه نظریه شیعه در تحریف قرآن، چاپ کرده اند» ۱۰.

گفتنی است که خلاصه ای از (**فصل الخطاب**) به انگلیسی ترجمه شده که نسخه ای از آن در کتابخانه ملی ایران محفوظ است. بیشتر کتابهایی که در ردّ قبول تحریف قرآن نوشته شده یا مستقیماً و تماماً در ردّ **فصل الخطاب** نوری است؛ مانند همان **کشف الارتباب** که یاد شد و **حفظ الکتاب عن شبهة القول بالتحریف**، اثر سید محمد حسین شهرستانی (م ۱۳۱۵ق) یا اینکه **فصل و فصلهایی** را به ردّ **فصل الخطاب** اختصاص داده اند. از جمله مرحوم محمد جواد بلاغی در مقدمه تفسیر **آلاء الرحمن**، و مرحوم آیت الله خویی (م ۱۴۱۲ق) در کتاب **البیان** که در اصل تفسیر سوره فاتحه است و مباحث قرآن پژوهی پربراری نیز در بر دارد، دو فصل تحت عنوان «**صیانة القرآن من التحریف**» و «**فکرة عن جمع القرآن**» مستقلاً به طرح مساله تحریف و ردّ آن به دلایل متقن و نیز پاسخ به اهم شبهات محدث نوری (بدون نام بردن از او) اختصاص داده اند ۱۱. در اینجا شبهات یا دلایل قائلان به تحریف را عمدتاً بر مبنای کتاب **فصل الخطاب** محدث نوری طرح می کنیم و پاسخ کوتاهی نیز در جواب هر یک از آنها می آوریم.

از دلایل دوازده گانه محدث نوری در این کتاب دو دلیل از طریق شیعه و منابع شیعه نقل شده و بقیه از منابع اهل سنت است. جالب توجه این است که محدث نوری و همفکران او از کل گنجینه احادیث اهل سنت، فقط همین احادیث آحاد و ضعاف را قبول دارند که نهایتاً خود حدیث شناسان و علمای اهل سنت و مخصوصاً قرآن شناسان، کوچکترین اعتباری بر آنها یا در حاکی بودن آنها از تحریف قرآن ندارند.

۱- محدث نوری به روایات اهل سنت و معدودی از احادیث شیعه استناد کرده اند که فائده به این که هر آن چه در آمتهای پیشین رخ داده، مطابق **التعل بالتعل** در امت اسلام نیز رخ خواهد داد و از جمله این رویدادها یکی هم تحریف کتاب آسمانی است. آیت الله خویی این شبهه را چنین پاسخ می دهد که اولاً اخباری که به آنها اشاره شده، اخبار آحادند و افاده علم و ابجاب عمل نمی کنند و ادعای تواتر آنها گزاف است؛ چرا که هیچ چیز از آنها در کتب اربعه شیعه روایت نشده است؛ لذا ملازمه ای بین وقوع تحریف در تورات و وقوعش در قرآن نیست. ثانیاً اگر این دلیل درست باشد باید دال بر وقوع زیادت در قرآن باشد. چنانکه تحریف تورات و انجیل هم به زیادت بوده است و بطلان این امر واضح است. ثالثاً بسیاری از وقایعی که در امم سابقه رخ داده نظیرش در امت اسلام رخ نداده، نظیر گوساله پرستی و سرگردانی چهل ساله بنی اسرائیل در بیابان و غرق فرعون و یارانش و فرمانروایی سلیمان (ع) بر جن و انس و رفع عیسی (ع) به آسمان و درگذشت هارون که وصی موسی (ع) بود قبل از موسی (ع) و ولادت عیسی (ع) بدون پدر. رابعاً اگر هم فرضاً تواتر این روایات و صحت دلالت آنها را بپذیریم، شاید مراد این باشد که زیاده و نقصان در آینده رخ می دهد. چنان که از روایت بخاری بر می آید که زمان آن را تا دامنه قیامت می داند. پس نمی توان با این روایت به وقوع تحریف در صدر اسلام و زمان خلفا استشهاد کرد. ۱۲

استاد سید جعفر مرتضی عاملی بر این دلایل این نکته را هم می افزاید که از دلایل وجوب مصونیت قرآن از تحریف این است که قرآن معجزه جاودانه است (و پدیده ادبی و هنری است که در آن لفظ و عین الفاظ و تعابیر و تمامیت متن آن کمال اهمیت را دارد). پس قرآن بعد از اثبات دو صفت معجزه بودن و جاودانه بودن، لا محاله باید محفوظ از تحریف مانده باشد تا اعجازش برقرار بماند؛ ولی کتب آسمانی پیشین اصلاً معجزه انبیا نبوده

۸- برای تفصیل التدریسة، ۲۲۰/۱۰ - ۲۲۱ صیانة القرآن، ص ۹۰.

۹- التدریسة، ۲۳۱/۱۶ - ۲۳۲.

۱۰- تحریف ناپذیری قرآن، کیهان اندیشه، ویژه قرآن شماره ۲۸، ۱۳۶۸، ص ۴۶.

۱۱- مرحوم آیت الله ابو الحسن شعرانی (م ۱۳۵۲ش) نیز تعلیقاتی در ردّ **فصل الخطاب** دارد که آیت الله حسن زاده آملی در ذیل مقاله پر باری که تحت عنوان «**فصل الخطاب فی عدم تحریف الکتاب**» نوشته است آن را بنامه از خط استادش مرحوم شعرانی نقل کرده است. سه تن از قرآن پژوهان معاصر نیز که هر یک کتابی مفرد و مستقل در نفی تحریف قرآن نوشته اند - استاد محمد هادی معرفه در **صیانة القرآن من التحریف**، استاد سید جعفر مرتضی عاملی در **حقائق هامة حول القرآن الکریم** و آقای رسول جعفریان در **اکتوبه تحریف القرآن** - هر یک فصلی شامل خلاصه فصول دوازده گانه و استدلالهای اساسی و مستندات اصلی محدث نوری در **فصل الخطاب** همراه با ردّ روشن و کوتاهی آورده اند. ۱۲- البیان، ص ۲۳۹-۲۴۱.



● اهل سنت برای آنکه نه قائل به تحریف (تقیص) قرآن و نه بی اعتباری کتب معتبر حدیث شان از جمله صحیحین شوند، قائل به پدیده ای به نام «نسخ التلاوة» یا «مسنوخ التلاوة» شده اند.

است، تا چه رسد که معجزه جاودانه باشد؛ لذا تکفل حفظ آن بر خداوند واجب نبوده است^{۱۳}.

۲- محدث نوری به روایات اهل سنت درباره جمع قرآن استناد کرده و گفته است که جمع آن بر محور شهادت دو شاهد بوده است که این مسأله حاکی از عدم تواتر نقل قرآن است، لذا امکان و احتمال تحریف در آن راه دارد.

در پاسخ باید گفت که قرآن در زمان خود رسول اکرم (ص) و به اشراف و اهتمام اکید ایشان به دست کاتبان وحی نوشته شده بود و فقط مدون و مجموع بین الدفتین نبوده است، و جمع زمان ابوبکر (یک سال پس از وفات پیامبر (ص)) و جمع نهایی زمان عثمان در حدود ۱۷-۱۸ سال پس از وفات پیامبر (ص-) در واقع جمع دوباره و مکرر برای احتیاط بوده است و زید و یاران او که گروه تهیه و تدوین «مصحف امام» بودند برحافظه صدها حافظ قرآن و چندین و چند مصحف نوشته شده کامل ولی غیر مدون بین الدفتین متکی بودند؛ لذا نیازی به شهادت دو شاهد برای هر آیه نبود. از آن گذشته مسأله شهادت شاهدین هم به فرض صحت به این سادگیها نبوده است، و به گفته ابن حجر^{۱۴} مراد از دو شاهد یکی کتابت و دیگری حفظ بود؛ نه دو شاهد عادی از کسانی که نه کاتب قرآن نه حافظ تمامی قرآن بوده باشند یعنی شهادت این دو گونه شاهد برای رعایت کمال احتیاط بوده است؛ و این شاهد مویذ مصاحف مکتوب غیر مدون و حفظ حافظان بوده است و در مورد نادری که زید شهادت یک نفره خزیمه بن ثابت انصاری را برای اثبات آیه پایانی سوره توبه پذیرفت؛ نه فقط به دلیل ذوالشهادتین بودن این مرد بوده؛ بلکه برای خاطر آن بوده است که این شهادت با حفظ حافظان و کتابت کاتبان موافق بوده است؛ و بر عکس شهادت یک نفره عمر را درباره افزودن آیه ادعایی «رجم» به قرآن، از آن جهت رد کرد که مؤیدی از حفظ و کتابت دیگران و خود زید نداشته است.

۳- محدث نوری در فصل سوم به روایات اهل سنت درباره آیاتی که ادعای نسخ تلاوت آنها شده است، استناد کرده است، و مسأله نسخ التلاوه را رد کرده است؛ ولی این روایات را دال بر تحریف قرآن گرفته است. پاسخش این است که ما در مسأله بی اعتبار بودن و واهی بودن نسخ التلاوه با او موافقیم و امثله ای که یاد کرده است یا دعا بوده است یا کلام تفسیری پیامبر (ص) یا کلام بعضی از صحابه یا اخبار آحاد و جعلی است. به این مسأله در طی این مقاله باز خواهیم گشت.

۴- محدث نوری دلیل چهارم خود را چنین بیان می کند: «امیر المؤمنین علیه السلام قرآن مخصوصی داشت که بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله، برای خود جمع کرده بود و آن را بر قوم عرضه داشت؛ ولی از آن روی برتافتند. لذا آن را از دیدگان آنان پنهان داشتند و این مصحف نزد حضرت - علیه السلام - باقی بود و امامی بعد از امام پیشین، آن را همانند سایر خصایص امامت و خزائن نبوت به ارث می برد؛ و آن نزد حضرت حجت، عجل الله فرجه است و بعد از ظهورش آن را بر مردم ظاهر خواهد کرد و آنان را به قرائت آن دستور خواهد داد؛ و آن مخالف این قرآن بوده هم از حیث تألیف و ترتیب سوره ها و آیات و هم از حیث کلمات و از جهت زیاده و نقصان...»^{۱۵}

آیت الله خوبی در پاسخ این شبهه می نویسد: چنین مصحفی موجود بوده است و اضافاتی نسبت به قرآن موجود (مصحف عثمانی) داشته است؛ اما دلیلی در دست نیست که نشان بدهد آن زیادات جزو قرآن بوده است. واقعیت آن است که

این زیادات، تفسیری بوده است. به احتمال بسیار علت اینکه هیات جمع و تدوین مصحف امام در عصر عثمان، نسخه مصحف حضرت (ع) را نپذیرفته اند^{۱۶}، تفاوت های تدوینی و اضافات تفسیری آن بوده است. چنان که به گفته بعضی از محققان حتی نام بسیاری از منافقان در آن یاد شده بوده است؛ لذا چون این مصحف با سایر مصاحف و نیز منابع پراکنده یا مجموع آنها تفاوت داشته آن را نپذیرفته اند؛ و حضرت امیرالمؤمنین (ع) در وهله اول از این برخورد غیر دوستانه آنان آزرده شده اند و گفته اند که دیگر هرگز آن را نخواهید دید. ۱۷ علی رغم افسانه هایی که هر یک سراغ از نسخه ای از مصحفی به خط کوفی و با رقم «کتابه علی بن ابی ایا» [ابی طالب] در کتابخانه های مختلف ایران و جهان می دهد، اطلاع تاریخی روشنی از سر نوشت این مصحف در دست نیست و بعضی از اخبار دلالت بر این دارد که این مصحف نزد حضرت حجت (عج) محفوظ است. ۱۸ نکته مهم این است که حضرت امیر المؤمنین (ع) از صحت و روشمندی کار هیات تهیه و تدوین مصحف امام در عصر عثمان اطمینان یافته اند و مصحف عثمانی را به تعابیر گوناگون تایید فرموده اند، و از همین روی اصرار در ظاهر ساختن مصحف خویش را بیش از آن روا نداشته اند. سخن آخر آنکه هر چند جمع و نسخه قرآن حضرت (ع) واقعیت تاریخی داشته است؛ ولی موجودیت پایداری تاریخی نداشته است و در منابع کهن انعکاس روشن و متقنی از محتویات آن در دست نیست تا بر مبنای آن بتوان آن را مصحف اصلی و وحی نامه کامل، و مصحف عثمانی را نسبت به آن تحریف شده و دارای زیاده و نقصان دانست.

۵- محدث نوری در دلیل پنجم از مصحف عبدالله بن مسعود که مخالف مصحف موجود (عثمانی) بوده است سخن می گوید^{۱۹}. محققان و قرآن پژوهان در اینکه عبدالله بن مسعود، صحابی و قرآن شناس بزرگ و حافظ قرآن، نسخه ای از قرآن برای خویش نوشته بوده است، همسخن اند. تفاوت مصحف ابن مسعود با دیگر مصحفها در این بود که سوره فاتحه و معوذتین (دو سوره آخر قرآن) را در بر نداشت و او آنها را دعا

۱۳- حقائق هامة، ص ۳۹۵.

۱۴- الاتقان، ۱/ ۲۰۵.

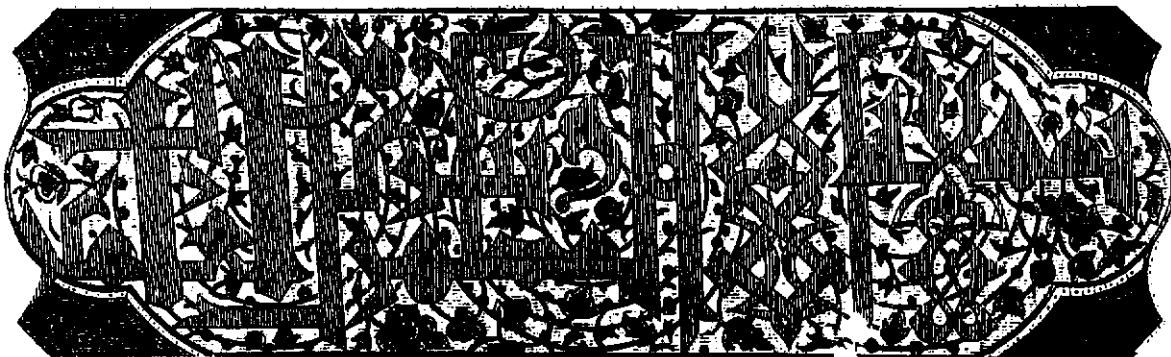
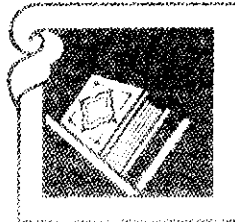
۱۵- فصل الخطاب، نسخه عکسی از نسخه محفوظ در کتابخانه محرم آقا بزرگ تهرانی در نجف اشرف، ص ۷۶.

۱۶- البیان، ص ۲۴۱-۲۴۲.

۱۷- تاریخ قرآن، رامسار، ص ۳۶۷.

۱۸- برای تفصیل، حقائق هامة، ص ۱۶۰.

۱۹- فصل الخطاب، ص ۸۶ به بعد.



نظر دارند. که قرآن در عهد پیامبر(ص) و با اهتمام و اشراف همه جانبه ایشان به دست کاتبان وحی که تعداد آنان را تا بیش از چهل نفر هم گفته اند، کتابت شده است.

ویژگیهای مصحف امام

استاد سید علی کمالی دزفولی قرآن پژوه معاصر ممیزات دهگانه ای برای جمع عثمانی یاد می کند. از جمله اینکه:

الف - عثمان دستور داده بود [هر کس هر چه را از پیغمبر(ص) شنیده بیاورد تا همه در این کار شریک باشند و از این جمع چیزی غائب نماند، تا هیچ کس در ذخیره این مصحف شک نیارود و همه بدانند که آشکار در مرأ و مسمع صحابیان بزرگ، انجام یافته است.

ب - اعتماد بر عمل گروه اول در جمع بکری [= ابو بکری].

ج - هر جا برای رفع اختلافات از مسامحات، چاره نشد لغت و لهجه قریش را انتخاب کنند.

د - برای جلوگیری از شبهه و تطرق فساد موارد زیر را نمی نوشتند: منسوخ التلاوه ها (که عنوانی مختصر است)؛ آنچه در عرضه اخیر(بر پیامبر-ص) نبوده، آنچه قرائتش ثابت نبود، قرات شاذ، قرات آحاد، و الحاقات تفسیری.

ه - ترتیب آیات هر سوره بر طبق توفیق مستند پیغمبر(ص) در عرضه اخیر بوده است. ۲۶۴

جمع عثمانی از همان آغاز و پس از فروکش کردن مخالفت‌های عاطفی و احساساتی و حمیتی، مورد قبول بزرگان صحابه و در راس آنان حضرت امیرالمومنین(ع) قرار گرفته است و روایات متعددی به تعابیر مختلف از حضرت علی(ع) در تایید عملکرد عثمان و حاصل کار هیات منصوب در تدوین مصحف امام، نقل شده است.

اگر هم در صحت صدور این روایات تردید شود، عملکرد و سیره امیرالمومنین علی علیه السلام حاکی از این است که عمل عثمان را تایید یا دست کم تقریر (سکوت ناشی از رضا و قبول) کرده است. مرحوم آیت الله خوئی در تایید عملکرد

می انگاشت. تفاوت‌های دیگر، اختلافات لهجه ای یا مترادف و به اصطلاح اختلاف قرات بود. ۲۰ و دیگر الحاقات تفسیری (همانند مصحف علی علیه السلام).

مرحوم رامیار درباره ابن مسعود و مصحفش می نویسند: «با اینکه او همیشه ادعا می کرد که همه چیز را درباره قرآن می داند، و می داند که هر آیه کجا و کی نازل شده؛ اما چیزی از او درباره ترتیب نزول آیات نقل نکرده اند. ترتیبی هم که از مصحف او گفته اند چیز مهمی و فرق چندانی با مصحف عثمانی نداشته است. ۲۱۴ مشهور است که سرانجام عبدالله بن مسعود با هیات تهیه و تدوین عثمانی و نیز مصحف آنان آشتی کرد و رضای خود را اظهار داشت. ۲۲

۶- محدث نوری در دلیل ششم، مانند دو دلیل پیشین که به مصحفهای مستقل تمسک می کرد به وجود مصحف ابی بن کعب و تفاوت آن با مصحف موجود (عثمانی) استناد می کند ابی بن کعب ملقب به سیدالقرء مانند عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عباس از کبار صحابه و قرآن شناسان بزرگ بوده است. الفهرست ترتیب سوره ها در مصحف او را یاد کرده است. ۲۳ تفاوت مهم مصحف او با مصحف عثمانی این بوده است که دو سوره اضافی به نامهای «خلع» و «حفد» در بر داشته است. این امر بر خلاف آرزو و انتظار محدث نوری نه فقط باعث اعتبار مصحف او نمی شود؛ بلکه چون هم با مصحف عثمانی و هم مصاحف معتبر دیگر چون مصحف حضرت علی(ع) و مصحف عبدالله بن مسعود، اختلاف داشته اند؛ لذا اعتبار قابل استنادی ندارد. ۲۴

۷- محدث نوری در دلیل هفتم می نویسد: «چون ابن عفان(عثمان) بر امت استیلا یافت، مصاحف متفرقه را جمع کرد و از آنها به یاری زیدبن ثابت و کتابت و قرائت او و خودش، نسخه ای فراهم کرد و آن را امام نامید، و سایر مصاحف را سوزانید یا پاره کرد، و این کار را از آن رو کرد که باقی مانده ای را که در دست مردم مانده بود و از آن غافل شده بود از بین ببرد. . . . ۲۵۱

در باره مصحف عثمانی و در پاسخ این اشکال باید گفت همه قرآن پژوهان اعم از اهل سنت و شیعه در این نکته اتفاق

۲۰- برای فهرست نسبتاً کاملی از آنها المصاحف سجستانی، ص ۵۳-۷۳.
 ۲۱- تاریخ قرآن، رامیار، ص ۳۶۲.
 ۲۲- المصاحف، سجستانی، ص ۱۸، قانون تفسیر، ص ۱۵۵-۱۵۶.
 ۲۳- الفهرست، ص ۳۰.
 ۲۴- برای تفصیل درباره ابن بن کعب و مصحف او المصاحف، سجستانی، ص ۱۵۳، تاریخ قرآن، رامیار، ص ۳۲۰-۳۵۲ که متن سوره های ادعایی خلع و حفد را هم در بر دارد.
 ۲۵- فصل الخطاب، ص ۹۹.
 ۲۶- قانون تفسیر، ص ۱۵۲-۱۵۳.



عثمان می نویسد:

«اینکه عثمان مسلمانان را بر قرائت واحدی گرد آورد؛ یعنی قرائتی که بین مسلمانان رایج بود و آن را به تواتر از پیامبر (ص) فرا گرفته بودند، و قرائت دیگر را که مبتنی بر احادیث نزول قرآن بر «سبعة احرف» بود منع کرد، این عمل عثمان را احدی از مسلمانان بر او انتقاد نکرده است؛ چرا که اختلاف در قرائت به اختلاف مسلمانان و پراکندگی صفوفشان و بر بازرفتن وحدت کلمه شان بلکه تکفیر بعضی از بعضی می انجامید و روایاتی را نیز نقل کردیم که حاکی از نهی پیامبر (ص) از اختلاف در قرآن بود. ولی کاری که بر او انتقاد می کنند این است که بقیه مصاحف را سوزانید و به اهالی شهرهای دیگر هم امر کرد که مصاحفشان را بسوزانند. مسلمانان بر این کار او اعتراض کردند؛ حتی او را حرق المصاحف (سوزاندن مصحفها) نامیدند. ۲۸۴»

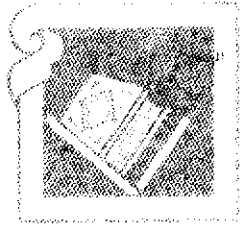
اما اینکه بعضی می گویند باید این نوشته های پراکنده را که به روی پوست و سنگ و لیف خرما و غیره بوده نگهداری می شد، فکری جدید و امروزه پسند است که موزه داری و سند داری و حفظ اشیاء عتیقه مطلوب و ممکن است. اگر عثمان چنین کاری می کرد غرض خود را در نفی اختلاف، نقض کرده بود. تازه در جایی که خود مصاحف عثمانی شش یا هفتگانه، با آن همه دقت و اهتمام در نگهداری آنها، غالباً و بلکه تمامی از بین رفته است، یا لااقل از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست. چگونه ممکن بود استخوانها و سنگها و پوستهای ریخته و پاشیده و پراکنده محفوظ و باقی بماند تا آیا مورد استفاده محققان امروزه و آینده قرار گیرد یا نه.

۸ - محدث نوری دلیل هشتمش را وجود روایات و به قول خودش «اخبار کثیره» ای از مخالفان (یعنی اهل سنت) یاد می کند که دلالت صریح بر وقوع تغییر و نقصان در مصحف موجود دارد، آیت الله خوئی و حجت الاسلام میلانی وسایر قرآن پژوهان شیعه بر آنند که آری احادیث نقص قرآن در میان اهل سنت بسیار است؛ بسی بیشتر از آنچه در میان احادیث شیعه

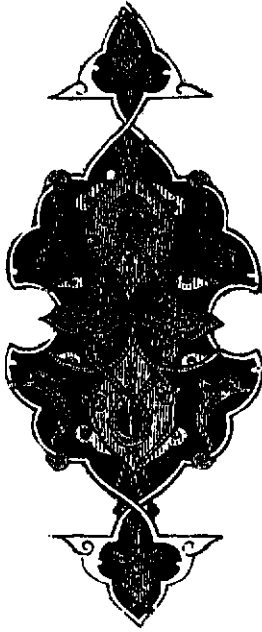
هست و اهل سنت برای آن که نه قائل به تحریف (تتقیص) قرآن و نه بی اعتباری کتب معتبر حدیثشان از جمله صحیحین شوند، قائل به پدیده ای به نام نسخ التلاوه یا منسوخ التلاوه شده اند. یعنی آیات و عباراتی را جزو وحی اولیه می دانند که سپس تلاوت آنها منسوخ شده و حکمش یا متفی شده یا برقرار مانده است. از این دست بسیار آیه ها، حتی سوره های ساختگی در بعضی متون حدیث اهل سنت و از آنجا در کتب قرآن پژوهی و علوم قرآنی نقل شده است که نمونه مشهور آن آیه رجم است. این آیه در مجامع معتبر حدیث اهل سنت از جمله صحیحین و موطن و مسند احمد و غیره، با عبارات کمابیش مختلف نقل شده است و یک روایت از نص آن چنین است: «الشیخ و الشیخة اذا زینا فار جموهما البتة» و در بعضی این عبارت را هم اضافه دارد: «نکالاً بما قضیا من اللذة» که عمر گفته است ما این آیه را در عهد رسول الله (ص) می خواندیم، سپس به دلیلی نامعلوم فراموش و متروک شد. و چون هیچ کس جز خود او حافظ و شاهد بر آیه بودن آن نبود، لذا زید و هیات او، آن را از عمر نپذیرفتند.

بعضی از سوره ها و آیه های دیگری که در بعضی از مجموعه های حدیث اهل سنت به عنوان جزئی از قرآن کریم و یا مقوله نسخ التلاوه یاد شده عبارت اند از: آیه جهاد (صیانة القرآن، ص ۱۲۷؛ التحقیق ص ۱۵۵)؛ آیه شهادة (التحقیق، ص ۱۵۷-۱۵۸)؛ آیه فراش (صیانة القرآن، ص ۱۲۷)؛ آیه حمیه (التحقیق، ص ۱۶۰-۱۶۱)؛ آیه حنیفیه (آلاء الرحمن ص ۱۹-۲۰)؛ آیه «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک» که گفته اند به دنبال آن «فی علی» یا «ان علیاً مولی المومنین» اضافه داشته است. (التحقیق، ص ۱۶۴-۱۶۵) آیه «لو کان لابن آدم حفد (صیانة القرآن، ص ۱۳۶؛ آلاء الرحمن، ص ۲۳؛ التحقیق، ص ۲۴-۲۵) که منبع اصلی آن دبستان المذاهب است (تحقیق رحیم رضا زاده ملک، ۱/ ۲۴۶-۲۴۷، ص ۳۰) استاد محمد هادی معرفه در این باره می نویسد: «این احادیث نه وزنی دارد، نه اعتباری، چه از نظر سند؛ چه از نظر مدلول؛ چرا که مخالف صریح قرآن و اعتقاد و ضروریات

۲۷- برای تفصیل این روایات الاتقان، ۱/ ۲۱۰؛ فتح الباری، ۱۵/ ۹؛ المقنع، دانشی ص ۸.
۲۸- البیان، ص ۲۷۷.
۲۹- برای تفصیل درباره این آیه الاتقان، ۸۶/ ۲؛ آلاء الرحمن، محمد جواد بلاغی، ص ۲۱-۲۳؛ التحقیق فی نفی التحریف، ص ۱۲۶-۱۵۰، صیانة القرآن، ص ۱۲۵ که همه آنها منابع اصلی اهل سنت را یاد کرده اند.
۳۰- اغلب آیه ها و سوره های یاد شده در کتاب حقائق هامة حول القرآن الکریم، ص ۳۲۵ به بعد با ذکر اسناد و منابع آمده است.



● همه قرآن پژوهان اعم از اهل سنت و شیعه در این نکته اتفاق نظر دارند که قرآن در عهد پیامبر (ص) و با اهتمام و اشراف همه جانبه ایشان به دست کاتبان وحی که تعداد آنان را تا بیش از چهل نفر هم گفته اند کتابت شده است.



خودشان آن را برای مردم روشن کردند. ۳۴
۱۰- محدث نوری در دلیل دهمش می گوید، چرا از میان همه قرآت مختلف کلمات و تعبیر قرآنی، فقط هفت وجه پاده وجه اختیار شده است؟ پاسخش این است که «قرآن نص متواتری به وحی و اعجاز نازل بر رسول الله و منقول از اوست و جمهور مسلمانان و بزرگان ائمه دین آن را محفوظ داشته اند و در آن در طی روزگاران تعبیر و اختلافی رخ نداده است؛ اما قرآت (و اختلاف آنها) اجتهاداتی (متغیر و متفاوت) در تعبیر این نص (ثابت و یگانه) و کیفیت ادای آن است. ۳۵
۱۱ و ۱۲- دلیل یازدهم محدث نوری «اخبار کثیره معتبره صریحه ای است که درباره وقوع سقط و دخول نقصان در قرآن موجود» نقل شده است و دلیل دوازدهم «اخبار وارده در موارد مخصوصی از قرآن است که دلالت بر تغییر بعضی از کلمات و آیات به صورتی از صور دارد. ۳۶
استاد محمد هادی معرفه شرح مبسوطی در پاسخ به این دلایل دارد و می نویسد:

احادیثی که محدث نوری در مورد تحریف گرد آورده ۱۱۲۲ حدیث است که به گفته خودش ۶۱ فقره از آنها دلالت عامه دارد و ۱۰۶۱ فقره آن نص در موضوع است؛ ولی اکثریت عظیمی از آنها نه سند دارد و نه اعتبار و از رسائل و منابعی نقل می کند که یا مجهول اند یا موجود نیستند، یا موضوعه (جعلی) هستند. و تعداد ۸۱۵ فقره از احادیث او منقول از این گونه کتب است. باقی مانده اش که ۳۰۷ فقره است، اکثریتش به اختلاف قرائت بر می گردد، از جمله ۱۰۷ مورد آن که در همین زمینه است یکجا از مجمع البیان شیخ طبرسی نقل شده است باقی می ماند ۲۰۰ حدیث که تقریباً از کتب معتبر حدیث نقل شده که بر هفت نوع اند. و هیچ یک مقصود وی را اثبات نمی کند.

آیت الله خوئی نیز پاسخهای متقنی به این شبهات (دلایل یازدهم و دوازدهم محدث نوری در فصل الخطاب) دارد. از جمله می نویسد: این روایات دلالت بر وقوع تحریف قرآن به معنای متنازع فيه ندارد. توضیح آن که بسیاری از این روایات در

جمهور مسلمانان است. ۳۱ دیگر اینکه احادیث ضعیف و مجعول در همه مجامع حدیث اهل سنت و شیعه راه یافته است. پاسخ مشروحتر به شبهه یا دلیل در ضمن پاسخ به دلایل یازدهم و دوازدهم محدث نوری در همین مقاله خواهد آمد.

۹- محدث نوری در دلیل نهمش می گوید که اسامی «اوصیای خاتم النبیین و دخت گرامی اش صدیقه طاهره علیهم السلام و بعضی شمایل و صفات آنان در همه کتب آسمانی آمده است، پس باید در قرآن هم آمده باشد. «
این دلیل یا ادعا چنان واهی و بی اساس است که نیاز به رد ندارد. محدث نوری ابتدا باید به اصطلاح «سقف را بزند تا سپس بر آن نقاشی کند. «از کجا ثابت شده است که نام چهاره معصوم (ع) در کتب آسمانی پیش آمده است؟ پاسخ شیخ نوری این است که این کتابها هم تحریف شده است و در اصل آنها نام این بزرگواران موجود بوده است با این حساب، این دیگر دلیل نیست؛ بلکه صرف ادعاست. آیت الله خوئی در پاسخ به این ادعا می نویسد:

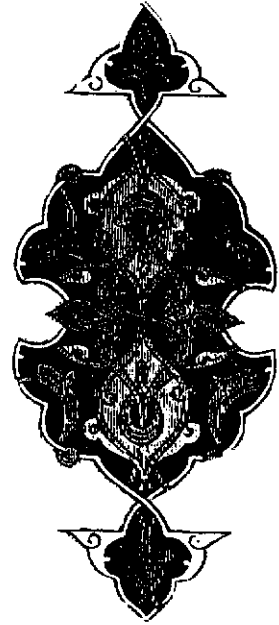
«و از حقایقی که نشان می دهد نام امیر المومنین علی (ع) صریحاً در قرآن یاد نشده است، حدیث غدیر است؛ زیرا اگر نام علی (ع) در قرآن مذکور بود، حضرت پیامبر (ص) محتاج به نصب و تعیین ایشان و بر پا داشتن اجتماع عظیم برای آن نبود. پس صحت حدیث غدیر ایجاب می کند که حکم به کذب این روایات کنیم. ۳۲ همچنین می نویسد:

«و معارض و نافی جمیع این روایان، صحیحه ابوبصیر منقول در کافی است. می گوید از ابو عبدالله (امام صادق علیه السلام) درباره «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» ۳۳ پرسیدم در پاسخ فرمود در حق علی ابن ابی طالب و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل شده است. به ایشان گفتم مردم می گویند پس چرا نام علی و اهل بیت او در کتاب الله نیامده است؟ حضرت (ع) فرمود: به ایشان بگو نماز هم بر رسول الله نازل شده و در آن تصریح نشده بود که سه رکعتی است یا چهار رکعتی است، تا آنکه رسول الله

۳۱- صیانة القرآن ، ص ۱۷۳ .
۳۲- البیان ، ۲۴۵-۲۵۱ .
۳۳- نساء ۵۹ .
۳۴- البیان ، ص ۲۵۱ .
۳۵- صیانة القرآن ، ص ۱۷۹ .
۳۶- فصل الخطاب ، ص ۱۶۱ ، ۱۷۵ .
۳۷- برای تفصیل در این باره صیانة القرآن ، ص ۱۹۶-۲۳۶ .



● نگارش و انتشار «فصل الخطاب»
در حوزه های علمیه شیعه
مخصوصاً در نجف و سامرا و به
فاصله کمی در شبه قاره هند و سایر
بلاد اسلامی و شیعی موج عظیمی از
مخالفت و اعتراض علمای شیعه و
نیز اهل سنت را برانگیخت .



شبهاترین دلیل عقلی را در این زمینه شادروان علامه طباطبائی عرضه داشته است: «اما آن قرآنی که زیدبن ثابت در زمان عثمان گردآوری کرد ، بدون شک حاوی جمیع قرآن است و در آن یک کلمه کم و یا یک کلمه زیاد نشده است . و قول به تحریف قرآن از درجه اعتبار ساقط است . چون اخبار آحادی که در تحریف وارد شده است ، حجیت آنها متوقف بر حجیت قول امام است که آن اخبار را بیان کرده است ، و حجیت قول امام متوقف بر حجیت قول رسول الله (ص) است که امام را وصی و خلیفه و معصوم معرفی کرده است ، و اگر قائل به کم بودن یا زیاد بودن یک حرف در قرآن مجید بشویم ، تمام قرآن از حجیت ساقط می شود و سقوط این حجیت اخبار تحریف را نیز ساقط می کند . . . [به تعبیر دیگر] اخبار تحریف که قرآن را از حجیت سقوط می دهد ، عمل به مفادش موجب اسقاط خود آنها می شود ؛ یعنی از ثبوتش عدمش لازم می آید و بنابراین عمل به آنها مستحیل [غیر ممکن] است»^{۳۸}

امثال محدث توری از تولای افراطی و درحد غلوه اهل بیت علیهم السلام ، و حسرت این که چرا نام مبارک ایشان در قرآن نیامده است ، و نیز از بغض و تیرای افراطی نسبت به «اغیار» - که افتخار جمع و تدوین قرآن متعلق به آنان است - به قول مثل معروف مانند کسی عمل می کنند که نیزه بر سینه خویش فرو می برد تا کسی را که بر ترکش نشسته است بکشد (الطاعن نفسه لیقتل ردهه) یا طبق مثل فارسی برای درست کردن ابرو چشم را کور می کنند!

دلایل قائلان به عدم تحریف :

۱- آیات قرآنی و وعده های صریح الهی بر حفظ قرآن - مشهورترین آیات سه آیه است :
الف- آیه حفظ : «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»^{۳۹} ما خود ، ذکر [=قرآن] را نازل کرده ایم و خود نیز نگهدارنده آنیم . مراد از «الذکر» قرآن است . چنان که در چند آیه پیشتر در همین سوره می فرماید : « و قالوا یا ایها الذی نزل علیه الذکر انک لمجنون»^{۴۰} (و گفتند ای کسی که ذکر [قرآن] بر او

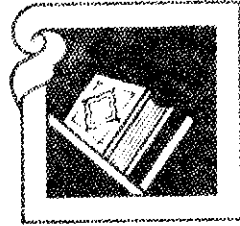
عین آنکه سندشان ضعیف است ، از کتاب احمد بن محمد السیاری گرفته شده که علمای رجال اتفاق در فساد مذهب او دارند ؛ زیرا قائل به تناسخ بوده است ، و نیز از علی بن احمد کوفی گرفته شده که علمای رجال او را کذاب و فاسد المذهب می دانند . دیگر اینکه بخش معظمی از روایات او مربوط به اختلاف قرائت است . و از قول علمای بزرگ شیعه چنین نقل می کند که روایات مربوط به تحریف مخالف اجماع امت اند و باید یا آنها را تاویل یا طرح کرد .^{۳۸}

همچنین روایات بسیاری داریم که حاکی از عرضه داشتن احادیث بر قرآن است که حدیث مخالف با قرآن را باید به دیوار زد و برای آن اعتباری قائل نشد . در این صورت قرآن ، حاکم بر حدیث و محک و ملاک صدق آن است نه بالعکس ؛ یعنی نمی توان با حدیث که ظنی الصدور است ، درباره قرآن که قطعی الصدور است داوری کرد ؛ چون به قول معروف «الحدید لا یفلح الا بالحدید» و رستم را هم رخس رستم کشد . اشتباه روشمندان اخباریان - از جمله محدث توری - این است که اهمیت گزاف و بی حد و حصر به هر گونه حدیثی می دهند و نقادی و ارزشیابی احادیث را خوش ندارند و از «روایت الحدیث» به «درایت الحدیث» نمی پردازند و آگاهانه یا ناآگاهانه مجموعه کل احادیث را برخلاف اجماع علمای فریقین قطعی الصدور می دانند یا عملاً با آن چنین رفتاری دارند . اگر این همه باریک بینی و بهانه جوئی که امثال محدث توری در کار و بار جمع و تدوین قرآن می کنند ، در کار و بار جمع و تدوین حدیث کنند به این نتیجه خواهند رسید که این گونه اتکای افراطی به هر گونه حدیث ؛ پشتوانه علمی و عقلی و تاریخی ندارد و از آن گذشته مشتمل بر نقض غرض است ؛ زیرا قرآن سند بزرگ و حیاتی و رکن رکن اسلام است که اگر به هر دلیل خدشه دار شود ، دیگر مجالی برای آنکه حدیث معتبر و محدث محترم بماند ، باقی نخواهد ماند . به قول استاد سید علی کمالی دزفولی «به عقیده ما مجتهدی که قائل به تحریف قرآن باشد ، مجتهد نیست ؛ زیرا مهمترین مستند اجتهاد را از دست داده است . مضافاً به آنکه اجتهاد در امری ضروری آن هم از مسائل اعتقادی ، مورد ندارد»^{۳۹}

۳۸- البیان ، ص ۲۴۵-۲۵۳

۳۹- قانون تفسیر ، ص ۸۲

۴۰- مهترتابان ، مجموعه مصاحبات ایت الله سید محمد حسین حسینی طهرانی با علامه سید محمد حسین طباطبائی ، ص ۲۰۶-۲۰۷ .
۴۱- حجر/ ۹ .
۴۲- حجر/ ۶ .



نازل شده است، بی شک تو مجنونى .)

این آیه و سایر آیات قرآنی که در این زمینه نقل خواهیم کرد فقط برای کسانی اعم از شیعه و اهل سنت، حجت است که فقط قائل به تحریف به نقیصه باشند؛ زیرا اینان قائل به حذف و اسقاط آیات یا سوره‌هایی از قرآن‌اند؛ ولی قرآن موجود را صحیح و قطعی الصدور می‌دانند؛ لذا استدلال به آیات موجود را روا و درست می‌دانند.

شبهاتی در اطراف این آیه هست که پاسخ آنها در کتب مبسوطه داده شده است از جمله اینکه «له لحافظون» را راجع به حضرت محمد(ص) می‌دانند؛ ولی با وجود مرجع حاضر، ارجاع ضمیر به مرجع غائب دلیل قرینه می‌خواهد. ۴۳

ب- آیه عدم ایتان باطل: «وانه لکتاب عزیز، لایاتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه، تنزیل من حکیم حمید». ۴۴ (بی گمان آن کتابی ارجمند است که در حال و آینده [دست] باطل به آن نمی‌رسد، وحی نامه [خداوند] فرزانه ستوده است). پیداست که تحریف، بارزترین مصداق «ایتان باطل» است که خداوند ساحت قرآن را از آن منزّه شمرده است.

ج - «ان علینا جمعه و قرآنه» ۴۵ (همانا گردآورده و باز خواننده آن بر عهده ماست).

۲- احادیث:

الف - حدیث مشهور ثقلین که از طرق خاصه و عامه در حد استفاضه است: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی انهمالان یفترقا حتی یراد علی الحوض». (من در میان شما دو یادگار گرانبها باقی می‌گذارم؛ کتاب الهی و عترتم که اهل بیت من است و آن دو از همدیگر جدایی ناپذیرند تا در آخرت در کنار حوض کوثر به نزد من بازآیند). قول به تحریف قرآن کتاب را که ثقل اکبر است از حجیت و اعتبار می‌اندازند.

ب - احادیث عرض (عرضه داشتن) حدیث بر قرآن. ج - احادیث وارده در ثواب قرائت سوره‌ها در نمازها و غیر آن که اگر سوره‌های قرآن کاملاً مجموع و مدون و نزد مسلمانان محفوظ نبود، این امر معنی پیدا نمی‌کرد. ۴۷

د - احادیث وارده از ائمه علیهم السلام در باب اینکه آنچه در دست مردم است، همان قرآن نازل شده از سوی خداوند است. ۴۸

۳- دلیل سوم بر عدم تحریف قرآن، اجماع فریقین و نیز اجماع شیعه از عصر ائمه تا امروز است. بزرگان شیعه از شیخ صدوق (قرن چهارم) تا آیت الله خویی و امام خمینی و سایر مجتهدان و مراجع بزرگ شیعه قائل به تحریف ناپذیرفتن قرآن بوده‌اند. نام و نظر بعضی از آنان را یاد خواهیم کرد.

۴- دلیل چهارم اعجاز قرآن است؛ چراکه تحریف، منافی با معجزه بودن قرآن است؛ زیرا با تحریف، معانی قرآن ضایع می‌گردد، و مدار اعجاز، فصاحت و بلاغت است که دایر مدار معنی و لفظ هستند. معجزه بودن قرآن که برای آن تحدی هم شده است و معارضسان و مخالفان در این تحدی شکست خورده‌اند، به شرط حفظ کلیت و تمامیت آن و اینکه تمامی آن قابل استناد به حق تعالی باشد درست است، و این امر جزو معتقدات مسلمانان است که قرآن معجزه جاودانه الهی و نبوی است. ۴۹

۵- دلیل پنجم، نماز شیعه امامیه است؛ زیرا ائمه طاهرین (ع) و فقهای امامیه قرائت سوره کامله ای را بعد از حمد در رکعت اول و دوم هر نماز از نمازهای پنجگانه روزانه واجب می‌دانند، و این حاکی از اعتقاد امامیه به نیفتادن چیزی از قرآن است. توضیح بیشتر آنکه قائلان به تحریف نمی‌توانند

● قرآن بعد از اثبات دو صفت معجزه بودن و جاودانه بودن، لامحاله باید محفوظ از تحریف مانده باشد تا اعجازش برقرار بماند ولی کتب آسمانی پیشین اصلاً معجزه انبیاء نبوده است تا چه رسد که معجزه جاودانه باشد لذا تکفل حفظ آن بر خداوند واجب نبوده است.

قرائت سوره ای را که محتمل تحریف است جایز و مجزی بدانند؛ زیرا اشتغال یقینی، برائت یقینی می‌خواهد. پس اینکه ائمه علیهم السلام به قرائت این سوره‌ها در نماز رخصت داده‌اند، خود فی نفسه دلیل واقع نشدن تحریف در قرآن است و گرنه مستلزم ضایع کردن نماز واجب هر مکلف می‌شد. ۵۰

۶- دلیل ششم، ضرورت تواتر قرآن است. و این امر از ضروریات دین است که مجموع قرآن و همه بخشها و سوره‌ها و آیات آن از عهد رسالت، در طی اعصار و قرون و در جمیع طبقات مسلمانان به نحو متواتر نقل و قرائت شده است و آنچه مدعیان در باب قرآنیّت بعضی عبارات یا تحریف پذیرفتن قرآن به طور کلی می‌گویند خبر واحد (غیر متواتر) است. ۵۱

۷ و ۸ - بعضی از محققان، واقعیت تاریخی اهتمام خارق العاده پیامبر اکرم و صحابه را در حفظ و جمع قرآن و نیز مجموع بودن قرآن را در عهد پیامبر اکرم - ولو آنکه مدون بین الدفتین نبود - جزو ادله اثبات عدم تحریف می‌دانند. ۵۲

۹- دلیل نهم، دلیل عقلی است که بهترین بیان آن را علامه طباطبائی - اعلی الله مقامه - عرضه داشته است، و ما آن را بلافاصله پیش از آغاز این بخش؛ یعنی «دلایل قائلان به عدم تحریف» نقل کردیم.

۱۰ - دلیل دهم یک دلیل عقلی - تاریخی است. به این شرح که «اگر قرآن امام [= مصحف عثمانی] که در دوران خلافت عثمانی فراهم آمده، و همین است که در دست ماست، محرّف بود، هر آینه بر علی علیه السلام واجب بود که [اعتراض کند و] تصحیح آن را در صدر برنامه حکومت خویش قرار دهد. همچنان که تغییراتی را که عثمان در سنت پیغمبر داده بود و زبان آنها کمتر از تحریف قرآن بود، در وقت اولین اعلام برنامه حکومت خویش یاد می‌کرد؛ چنان که فرمود تیولهایی را که عثمان از بیت المال مسلمانان بخشیده است پس خواهیم گرفت؛ هر چند به مهریه زنان و خرید غلامان داده باشید» ۵۳ [و پیشتر احادیثی را که بالصرّاحه حاکی از تأیید امیر المؤمنین علیه السلام از عملکرد عثمان در زمینه صحت مصحف عثمانی است، نقل کردیم.]

۱۱ - دلیل و یا قرینه مؤیّده دیگر این است که هیأت تهیه و

- ۴۳- نز صیانه القرآن ص ۳۱.
۴۴- فصلت ۴۱-۴۲.
۴۵- قیامه/ ۱۹.
۴۶- برای نصوص احادیثی که در این باره از منابع معتبر شیعه نقل شده التحقیق فی نفی التحریف، ص ۳۱-۳۲. صیانه القرآن، ص ۳۵-۳۷.
۴۷- برای نصوص این احادیث التحقیق، ص ۳۵-۳۷.
۴۸- برای نصوص این احادیث صیانه القرآن ص ۴۱-۴۲؛ التحقیق، ص ۴۱-۴۳.
۴۹- برای تفصیل التحقیق، ص ۴۷. صیانه القرآن، ص ۴۱-۴۷.
۵۰- البیان، ص ۲۳۳-۲۳۴؛ التحقیق، ص ۴۸.
۵۱- صیانه القرآن، ص ۳۳-۳۵؛ التحقیق، ص ۴۸.
۵۲- التحقیق، ص ۴۹-۵۰.
۵۳- قانون تفسیر، ص ۹۵.



لب لباب آراء و عقاید شیعه امامیه اثنا عشریه را به دست می‌دهد و در آن قول به تحریف ناپذیری قرآن را اجماعی شیعه یاد کرده است. ۱۷- سید شرف الدین عاملی (م ۱۳۸۱ق) در *الفصول المهمه*، ص ۱۶۳، و *اجوبه موسی جبارالله*، ص ۲۸-۳۷، ۱۸- آیت الله ابو الحسن شعرانی (م ۱۳۵۲ش) در مقدمه *تفسیر منهج الصادقین*، ص ۱۵؛ *اثبات نبوت یا راه سعادت*، ص ۲۵-۲۸، ۱۹- علامه طباطبائی (م ۱۴۰۲ق) در *المیزان*، ۱۲/۱۰۶-۱۳۷؛ *مهر تابان*، ص ۲۰۶ به بعد، ۲۰- آیت الله بروجردی (م ۱۳۴۰ش) ۵۹، ۲۱- آیت الله حکیم (م ۱۳۴۸ش) که در این زمینه دارای فتوا هستند. ۲۲- آیت الله سید محمد هادی میلانی (م ۱۳۹۵ق) که در این زمینه صاحب فتوا هستند. ۲۳- امام خمینی (م ۱۳۶۸ش) در *تهذیب الاصول*، تقریر به قلم آیت الله سبحانی، ۲/۱۶۵؛ و نقل در *صیانه القرآن*، ص ۷۰، ۲۴- آیت الله خویی (م ۱۳۷۰ش) که یکی از بهترین و جامعترین رسالات را در رد شبهه تحریف و اثبات مصونیت قرآن تحت عنوان «*صیانه القرآن من التحریف*» در *البیان فی تفسیر القرآن*، ص ۲۱۵-۲۵۴ نگاشته است و در این زمینه فتوایی هم صادر کرده اند. ۲۵- آیت الله گلپایگانی در *صیانه القرآن*، ص ۶۳-۶۵.

آنچه نقل و اشاره شد فقط نام عده ای از بزرگان شیعه بود. در سه کتاب *ارجمند صیانه القرآن من التحریف*، اثر استاد محمد هادی معرفه و *التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف*، اثر حجت الاسلام سید علی حسینی میلانی، و *اکنونیه تحریف القرآن*، اثر رسول جعفریان (ترجمه فارسی: *افسانه تحریف قرآن*) مجموعاً نام و رأی بیش از پنجاه نفر از اعلام شیعه که صریحاً قائل به تحریف ناپذیرفتن قرآن هستند، نقل شده است. در پایان از باب حسن ختام نظر امام خمینی (ره) را در این زمینه نقل می‌کنیم:

«این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسماء و صفات و آیات و بینات است و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع «من خوطب به»، از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضت های قلبیه، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن که به لسان و وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم و زیاد به دست ما افتاده است، خدای نخواستہ مباد که مهجور شود.» ۶۰



تدوین مصحف امام (عثماني) بسیاری از کلمات قرآنی را که شاید تعداد آنها از صد فقره بیشتر باشد، بر خلاف قواعد املائی درست عربی نوشته و حتی به تعبیر جسورانه، ولی صحیح، مرتکب «اغلاط املائی» شده اند و این تفاوت کتابت یا «اغلاط املائی» که فی المثل «بسط» را یکجا با «سین» و یکجا با «صاد» نوشته اند، یا «مسیطر» را به صورت «مصیطر» نوشته اند در رسم عثمانی وارد شده و عیناً تا کنون محفوظ مانده است. یا «بسم الله الرحمن الرحيم» را بر سر ۱۱۳ سوره از ۱۱۴ سوره قرآنی نوشته اند؛ ولی به حق و به تبعیت از وحی، بر سر سوره توبه یا بر ائمت نوشته اند که دلایل آن را مفسران یاد کرده اند، یا حروف مقطعه [=فواتح سور] یعنی حرف مرموز قرآنی نظیر «الر» یا «کهیصص» را که هنوز هم رمز معنای آن بر قرآن پژوهان و مفسران و اسلام شناسان مسلمان و غیر مسلمان کشف نشده است و نظریه مقبولی در توجیه آنها عرضه نگردیده است، عیناً کتابت کرده اند و هیچ گونه اصلاح قیاسی و اجتهاد و تصرفی را روا نداشته اند. چنان که بعدها بعضی از فقهای بزرگ از جمله مالک و احمد بن حنبل حفظ رسم؛ یعنی رسم الخط عثمانی را واجب دانسته اند ۵۴ و این اهتمام والا و حفظ غرائب و سهوها یا اغلاط املائی، به بهترین وجه حاکی از صحت جمع و تدوین و مصونیت قرآن از هرگونه تغییر خود سرانه و افزایش و کاهش است. ۵۵

آراء و نظرات بزرگان شیعه در تحریف ناپذیرفتن قرآن

چون این مبحث، طویل الذیل است و نقل آراء بزرگان شیعه از قرن سوم و چهارم تا امروز در گنجایش این مقاله نیست، فقط به نام و منبع قول بعضی از بزرگان اشاره می‌شود و در پایان چند فتوا و نظر از مجتهدان بزرگ معاصر که ممکن است کمتر در مقالات و کتب دیگر مطرح شده باشد عرضه می‌گردد.

- ۱- نخستین قول صریح در باب مصونیت قرآن از تحریف از شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) است (*الاعتقادات الباب الثالث و الثلاثون*) ۲- شیخ مفید (م ۴۱۳ق) (*در اوایل المقالات* ص ۹۳-۹۵)
- ۳- شریف مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ق) او یکی از جامعترین و متین ترین بیانات را در این زمینه دارد *مسائل طرابلسیات اولی*، که تماماً در مقدمه *مجمع البیان* طبرسی، ۱/۱۵، نقل شده است)
- ۴- شیخ طوسی (م ۴۶۶ق) (*در تبیان*، ۳/۱) ۵- شیخ طبرسی (م ۵۴۸ق) در *مجمع البیان*، ۱/۱۵، *الفن الخامس*، ۶- سید بن طاووس (م ۶۶۴ق) در *سعد السعود*، ۱۴۴، ۱۹۲، ۲۶۷، ۷- علامه حلی (م ۷۲۶ق) در *اجوبه المسائل المنهاویه* ۸- محقق اردبیلی (م ۹۹۳ق) در *مجمع الفائده و البرهان*، ۲/۲۱۸، ۹- قاضی نورالله شوشتری (م ۱۰۱۹ق) در *مصائب النصاب*، در مبحث امامت ۵۷، ۱۰- شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ق) ۵۸
- ۱۱- ملا محسن فیض کاشانی (م ۱۰۹۰ق) در *تفسیر صافی* ۳۳-۳۴، *المقدمه السادسة*؛ *الوافی* ۲/۲۷۳-۲۷۴-۱۲- شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴ق) در *الفصول المهمه* ص ۱۶۶.
- ۱۳- شیخ جعفر کاشف الغطاء (م ۱۲۲۸ق) در *کشف الغطاء* کتاب القرآن» از کتاب الصلاه، مبحث هفتم و هشتم، ص ۲۹۸-۲۹۹، ۱۴- حجه (محمد جواد) بلاغی (م ۱۳۵۲ق) در مقدمه *تفسیرش آلاء الرحمن* که یکی از جامعترین و پربارترین نوشته های موجز در نفی تحریف است. ۱۵- سید محسن امین عاملی (م ۱۳۷۱ق) صاحب *اعیان الشیعه* در *اعیان الشیعه*، ۱/۴۱، ۱۶- محمد حسین کاشف الغطاء (م ۱۳۷۳ق) در *اصول الشیعه و اصولها* ص ۱۳۳ که کتابی است گرانقدر و مشهور و

۵۴- برای تفصیل در این باره *مناهل العرفان*، زرقانی، ۳۷۲/۱-۳۷۳، ۵۵- برای تفصیل و مشاهده فهرستی از ۱۱۸ فقره از غرائب املائی در رسم الخط عثمانی *التهمید*، محمد هادی معرفه، ۲۱۵-۳۳۸ *حقاتق هامة*، سید جعفر مرتضی عاملی، ۱۸۹-۲۲۱، ۵۶- نقل در *صیانه القرآن*، ص ۱۵، *التحقیق*، ص ۱۵، ۵۷- *نفس* در *الاموالرحمن*، ۱/۲۵۱، *صیانه القرآن*، ص ۵۹، ۵۸- نقل در *الاموالرحمن*، ۱/۲۶، *صیانه القرآن*، ص ۵۰، ۵۹- در مقاله *نگاهی به روش فقهی مصلح بزرگ؛ آیت الله بروجردی* نوشته ابوالفضل شکوری، در *آینه پژوهش* شماره ۷، ص ۱۳، ۶۰- *صحیفه نوح* ۲۰، ص ۲۰.